

بهبود بسات فقر را برچید

نمی‌دانم که مسوولان حکومتی که فعلا تمام‌قد درگیر مساله حجاب هستند و برای آن خط و نشان می‌کشند، تا چه اندازه از دیدن این آمار خواب راحت را تجربه خواهند کرد؟ برای نخواستن مدیران نیازی نیست که مصادیق را ببینیم. علم آمار برای همین در اختیار ماست تا با عدد و رقم واقعیت جامعه را دریابیم. تمام آنچه نوشته شد از آمار رسمی است. توصیه به نخواستن هم نمی‌شود، چون وضع بدتر می‌شود. توصیه اصلی به اصلاح سیاست‌ها و انتخاب اولویت‌های درست است. برچیدن بسات فقر و تورم را در اولویت قرار دهید.

به گزارش سایت خبری پرسون، عباس عبدی در یادداشتی نوشت: طرح آمارگیری از هزینه‌ها و درآمدهای خانوارهای کشور یکی از مهم‌ترین طرح‌هایی است که مرکز آمار ایران سالانه اجرا می‌کند و داده‌هایش منتشر می‌شود. نتایج آن برای ۱۴۰۱ نیز منتشر شده است که نکات مهمی را در فهم واقعیات اقتصادی ایران دارد.

اولین نکته افزایش هزینه‌های زندگی مردم تقریباً به اندازه‌ای است که تورم کل را پوشش می‌دهد، ولی این افزایش هزینه مرتبط با نرخ تورم مواد غذایی است که خیلی بیشتر است، به همین علت ضریب انگل یا نسبت هزینه‌های خوراکی به کل هزینه‌های خانوار، در سال ۱۴۰۱ حدود یک درصد افزایش یافته است. افزایش این ضریب به معنای منفی‌تر شدن وضع زندگی است. این وضعیت برای طبقات پایین اصلاً مناسب نیست. برای مثال دهک اول مناطق شهری که در سال ۱۴۰۰ حدود ۴۴/۸ درصد هزینه‌های خود را صرف تامین نیازهای غذایی می‌کرد در سال ۱۴۰۱، حدود ۴۶/۱ درصد را صرف این کالاها کرد.

این افزایش برای دهک‌های بالای درآمدی خیلی بیشتر است. دهک دهم از ۱۹/۷ درصد به ۲۶/۰ درصد رسیده که نشان‌دهنده تغییرات بسیار زیاد در هزینه‌های خوراک است. به احتمال زیاد دهک دهم در کمیت و کیفیت مواد غذایی خود تغییر چندانی نداده که هزینه‌های آن این اندازه بالا رفته است. ولی طبقات فقیر قادر به کاهش مصرف مواد غذایی نبوده‌اند و مجبور به تامین آن شده‌اند. سهم هزینه‌ها برای پایین‌ترین طبقات درآمدی در روستاها فقط طی یک سال از ۵۹/۳ درصد در سال ۱۴۰۰ به ۶۴/۶ درصد در سال ۱۴۰۱ رسیده است. این به معنای آن است که تمام کوشش این طبقات معطوف به تامین هزینه‌های خوراک‌شان است و برای تامین نیازهای دیگر آنان از جمله مسکن، بهداشت، درمان، آموزش، و تفریح پولی باقی نمی‌ماند. بیشترین فشار نیز به پایین‌ترین طبقات شهری و روستایی بوده است.

نکته مهم اینکه سهم یارانه‌ها در تامین همین هزینه‌ها است، به ویژه در مناطق روستایی که سهم یارانه‌ها از کل درآمد خانوار بیش از ۳ برابر مناطق شهری است. در مجموع وضعیت کنونی به این معناست که زندگی در حال بازگشت به گذشته است و عمده‌ترین دغدغه مردم تهیه خوراک خواهد شد، به عبارت دیگر در حال عقبگرد به تامین نیازهای اولیه هستیم و نیازهای بعدی که با توسعه اقتصادی اهمیت بیشتری یافته است، در حال فراموشی و به حاشیه رفتن هستند. فراموش نکنیم که تمام این ادعاها براساس آمار رسمی است.

نکته مهم‌تر ماجرا آنجاست که این تغییرات در حالی رخ داده که آمارهای دیگر نشان می‌دهد سال گذشته به دلیل صدور نفت تولید ناخالص داخلی ایران تا حدود ۴ درصد افزایش یافته است ولی این افزایش را در بهبود وضع زندگی مردم نمی‌بینیم و افزایش ضریب انگل نشان‌دهنده اثبات این ادعاست. موضوع پیچیده نیست اگر وضعیت مردم بهتر شود، بدون تردید ضریب انگل نیز کاهش خواهد یافت. بنابراین آمار هزینه و درآمد خانوار در این زمینه به این معناست که اگر رشد اقتصادی اندکی هم بوده نصیب مردم نشده است.

از این بدتر زندگی بخش مهمی از مردم به ویژه طبقات فقیر وابسته به یارانه‌ها شده است که می‌توان گفت بخش اصلی هزینه‌های خوراکی سه دهک پایین جامعه از طریق یارانه‌ها تامین می‌شود. نقش یارانه‌ها از دو طریق تهدید می‌شوند. اول و مهم‌تر از هر چیز دیگری تورم است. همه می‌دانند که در سال ۱۳۸۹ یارانه‌های پرداختی حدود ۴۵/۵۰۰ تومان برای هر نفر بود که به قیمت آن زمان نفری حدود ۴۵ دلار بود ولی با چند بار تورم، اکنون معادل کمتر از یک دلار شده است و کل یارانه‌های پرداختی کنونی نیز برای طبقات کم‌درآمد، کمتر از ۸ دلار است.

عامل دیگری که پرداخت یارانه‌ها را تهدید می‌کند، فقدان منابع مالی دولت است. امروز اعلام شد که صادرات نفت ایران از مرز ۱/۴ میلیون بشکه عبور کرده است. فرض کنیم که این خبر درست باشد، این سقف صادرات نفت ایران است. کافی است کوچک‌ترین مشکلی در این مسیر رخ دهد، اولین جایی که دولت از آن خواهد زد، از پرداخت یارانه به قیمت ثابت است، همچنان که امسال هم همین کار را کرده است. یارانه پرداختی سال گذشته قدرت خرید قبل را ندارد، زیرا تورم به ویژه در مواد غذایی حتی بالای ۶۰ درصد بوده و این به منزله کاهش قدرت خرید این یارانه‌هاست. این یعنی امنیت غذایی در خطر جدی قرار گرفته است.

نمی‌دانم که مسوولان حکومتی که فعلا تمام‌قد درگیر مساله حجاب هستند و برای آن خط و نشان می‌کشند، تا چه اندازه از دیدن این آمار خواب راحت را تجربه خواهند کرد؟ برای نخواستن مدیران نیازی نیست که مصادیق را ببینیم. علم آمار برای همین در اختیار ماست تا با عدد و رقم واقعیت جامعه را دریابیم. تمام آنچه نوشته شد از آمار رسمی است. توصیه به نخواستن هم نمی‌شود، چون وضع بدتر می‌شود. توصیه اصلی به اصلاح سیاست‌ها و انتخاب اولویت‌های درست است. برچیدن بسات فقر و تورم را در اولویت قرار دهید.

